

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۱۳ اپریل ۲۰۲۳

فرانسه: مرکز مبارزه علیه نئولیبرالیسم در اروپا

از آغاز سال نومیلادی، فرانسه به میدان مبارزات عظیم طبقات محروم جامعه و حمایت همه مردم از آن مبدل گشته. این تظاهرات در برخی از روزها به چندین میلیون نفر رسیده است. این مبارزات کماکان ادامه دارد. بیش از ۸۰ درصد مردم فرانسه از این اعتراضات حمایت میکنند. می توان گفت که کلیه اقشار کارگری از جمله کارگران بنادر، حمل و نقل، انرژی، پاکبانان در سطح شهر و همچنین کارگران و کارکنان بیمارستانها، پرستاران، معلمان و حتی نوجوانان مدارس و ... در این مبارزات درگیرند. آتش مبارزه بعد از تاریکی هوا در بسیاری از مناطق بیشتر زبانه می کشد و حرارت بیشتری به آن می بخشد.

مبارزات شجاعانه کنونی طبقات محروم در فرانسه به اتحادی عظیم در میان مردم و ایجاد شکاف در بین قدرت سیاسی حاکم دامن زده است. شکافها حتی به دستگاه پلیس نیز گسترش یافته است. شورشهای زحمتکشان در شهرهای مختلف فرانسه «زندگی عادی» را بهم زده است. اعتصاب پاکبانان در مدت چند روز باعث انباشته شدن بیش از صد هزار تن زباله در پاریس گشت. صادرات و واردات از حالت عادی خارج شد. دانشجویان و دانش آموزان جوان و بویژه دختران در دهها دانشگاه با سنگربندی به اعتراضات پیوستند. دانشجویان برای پیوستن مدارس به اعتراضات که تعدادشان به صدها می رسد به کمک دانش آموزان شناختند.

روز پنج شنبه ۳۰ مارس بیش از ۱۶۵ تظاهرات همزمان در سراسر فرانسه بوقوع پیوست و بیش از ۳ و نیم میلیون نفر در آن شرکت کردند. جوانان، زنان، مهاجرین، کارگران، معلمان و پرستاران ... متحدانه سرود انتر ناسیونال خوانده و از تجارب جنبش دانشجویی سالهای ۱۹۶۸ سخن گفتند. آنها مراکز نمادین و نهادهای ارتجاع را مورد هجوم قرار داده و به آتش می کشیدند. شب ۶ آوریل رستوران ماکرون آتش زده شد. مردم او را "شاه و هیتلر" نامیده اند. سیاست سرکوب پلیس با ورود جوانان بمراتب خشونت آمیز تر شد. صدها نفر زخمی شده و پرتاب گاز اشک آور و آب فشاری با آتش خشم معترضین جواب داده می شد.

در این مبارزات تاکنون بیش از هزار نفر دستگیر و زخمی شده اند. دولت جوانان و چپی ها را ارادل و اوباش خطاب کرده و مسبب خرابکاریها دانسته است. تضاد مردم با نمایندگان طبقات حاکمه به حدی است که نمایندگان پارلمانها و مقامات بالای دولتی به علت خطر جانی از دولت تقاضای حفاظت نموده اند. همچنین به خاطر وجود اعتراضات سفر رسمی پادشاه انگلستان به فرانسه لغو شده است.

دلایل اقتصادی و نقش نیروهای مختلف :

اما چرا بار دیگر فرانسه، بویژه پاریس به مرکز مبارزات در اروپا بدل گشته است؟ چرا طبقات تحتانی، جوانان وبخصوص زنان در این مبارزات نقش فعال و پررنگی دارند.

اگر چه در بیشتر گزارشات دلیل و عامل مبارزات فرانسه، افزودن ۲ سال به سن بازنشستگی عنوان می شود که با مخالفت و مقاومت شجاعانه مردم روبرو شده است. اما موضوع بسیار فراتر از آن است. مردم در واقع بعلت فشارهای عظیم زندگی و سیاستهای ارتجاعی کل سیستم به خیابان آمده اند. اگر چه زور آزمائی دو طرف حول مسئله بالا بردن سن بازنشستگی گره خورده است. همانگونه که مبارزات در جامعه ایران- بویژه زنان - حول قتل ژینا و حجاب اجباری گره خورد. اگر چه حجاب مسئله مهمی است اما مبارزات جامعه حول مسایلی فراتر از آن دور می زند. این واقعیت در فرانسه را می توان از زبان برخی از معترضین دریافت.

یک جوان می گوید که : " رای ما فاقد هر گونه ارزشی است. این خشم از بین رفتنی نیست، مسئله فراتر از بازنشستگی است . ماری یک زن سالمند می گوید که « میلیونها نفر در خیابانیم ، اما کسی صدای ما رانمی شنود. فقط با زبان خشونت می توان با ماکرون صحبت کرد». از سایت " میدیا پارت"

رومان - دانشجوی ۲۱ ساله : «اعتراض ما به کل سیاستهای دولت است». یک دانش آموز می گوید «این حکومت، حکومت پولدار ها، مدیران ارشد و میلیونرهاست».

کارگری در یک سخنرانی در ساختمان اشغال شده "بلک راک" در ۶ آوریل گفت: «در این کشور پول فراوان است، فقط باید آن را از گلوئی آنها بیرون کشید». به نقل از یک گزارش ویدیویی خبرنگار مستقل کلمان لانونت.

بر اساس یک نظر سنجی، اکثریت قریب به اتفاق مردم حکومت را «فاسد که فقط از منافع خودی ها حفاظت می کند» می دانند.

بیش از ۴۰ سال است که دولت فرانسه جهت محدود تر کردن «رفاه اجتماعی و حقوق بازنشستگی» به حقوق کارگران چنگ اندازی می کند. دولت های قبلی از جمله ژاک شیراک و نخست وزیرش آلن ژوپه، و همچنین نیکلا سرکوزی تلاش بسیاری برای کاهش فزاینده رفاه اجتماعی و کاهش حقوق کارگران انجام داده اند، و حتی سن بازنشستگی به ۶۲ سال افزایش یافته و به همراه آن بسیاری از حقوق و مزایای کارگران و بسیاری از کمک های اجتماعی طبقات تحتانی ، زنان و سالمندان را کاهش داده اند. اما این کاهش ها طبقه حاکمه فرانسه را راضی نکرده است و خود را عقب تر از تحولات نئولیبرالی در مقایسه با بقیه کشورهای اروپایی از جمله انگلستان و حتی آلمان می داند. ماکرون در کارزار دومین دوره ریاست جمهوری خود به طبقه حاکمه قول تغییرات همه جانبه ای را در سیستم «رفاه و مدل اجتماعی» به همراه کم کردن مالیاتها بویژه برای کمپانیهای بزرگ داد. این پروسه ها از سال ۲۰۱۷ آغاز گشت، اما پاندمی کرونا، سکنه ای در تشدید رفورها و ریاضت کشی ایجاد نمود. ماکرون میدانست لایحه پیشنهادی او در مجلس رأی اکثریت را نخواهد آورد و مجبور شد از اختیارات ویژه استفاده نماید و آن را بدون رأی گیری به تصویب برساند. این حرکت خشم مردم فرانسه را بیش از پیش برانگیخت و آنها را برای مبارزه مصمم تر ساخت.

سیاست دولت سیاست خصوصی سازی هر چه بیشتر از جمله خصوصی سازی بیمه بازنشستگی و کنار کشیدن خود از هر مسئولیتی نسبت به جامعه است. مردم به همین دلیل به دفتر مرکزی کمپانی «بلک راک» حمله کردند. "بلک راک" بزرگترین نهاد مدیریت مالی جهان است که در عرصه بیمه خصوصی هم فعالیت دارد و کل سرمایه تحت کنترل آن بیش از ۸.۶ تریلیون دالر است.

امپریالیسم فرانسه جهت جوابگویی به نیاز استراتژیک خود و گوشت دم توپ کردن میلیونها جوان در تلاش است خدمت سربازی را نیز اجباری نماید. جوانان بدرستی با شورشهای خود دولت را فعلاً مجبور کرده اند از اجرای آن عقب نشینی کند. یکی از مشاورین دولت اعلام نمود که طرح مسئله سربازی اجباری در شرایط انفجاری، بسیار اشتباه بود. جهان سرمایه داری با بحران عظیمی روبروست. فشارهای بحران جهت کشیدن عصاره جان مردم و قربانی نمودن آنان در جنگهای کنونی و آینده نمی تواند بدون پاسخ بماند. شورشهای زحمتکشان فرانسه و بویژه جوانان عاصی واکنشی است به این شرایط و بخشی است از تدارک نبردهای عظیم تری که در پیش است.

در صورت تغییرات درس بازنشستگی در واقع عمده فشار بروی تحتانی ترین ها و زنان جامعه خواهد بود. فرزندان خانواده های فقیر که قبل از ۱۸ سالگی وارد بازار کار می گردند مجبورند چند سال بیشتر کار کنند. بسیاری از کارهای سنگین توسط این بخش از جامعه صورت می پذیرد و انجام آن در سنین بالا بسیار مشکل و پر خطر است. براساس آمار سال ۲۰۲۲ زنان ۲۲ درصد کمتر از مردان حقوق دریافت می کنند. همزمان بعلت بالا بودن درصد طلاق (۵۵ درصد) و نگهداری از فرزندان یا سالمندان خانواده و یا بارداری مجبورند برای مدت طولانی نیمه وقت کار کنند. ۳۰ درصد زنان در فرانسه نیمه وقت کار می کنند. ۴۰ درصد زنان قیل از اتمام ۴۳ سال کار بعلت فرسودگی جسمی خود را بازنشسته کرده و بخش کمتری از حقوق بازنشستگی را دریافت میکنند. هرچند حقوق بازنشستگی کامل هم که قرار است ۱۲۰۰ یورو باشد، در دوران بالا رفتن مخارج زندگی، خود کفاف زندگی فقیرانه را نیز از مردم سلب کرده است.

دولت در مورد طرح بازنشستگی دو بهانه آورده یکی مقابله با کمبود نیروی کار و دیگر اینکه با توجه به کسری بودجه می گوید امکان پرداخت حقوق کل بازنشستگان را ندارد. اما فرانسه با کمبود نیروی کار روبرو نیست و کلی نیروی بیکار دارد. رقم بیکاری در فرانسه دو برابر و نیم آلمان و از انگلستان نیز تعداد بیکارانش بیشتر است. منظورش از کمبود نیروی کار، کمبود نیروی بیگاری است. از طرف دیگر کل مبلغی که به بازنشستگان پرداخت می شود معادل ۱۶ میلیارد دالر است که در مقابل کسری بودجه دولت فرانسه که در حدود ۳۴۰ میلیارد یوروست مبلغ ناچیزی را تشکیل می دهد. آنچه که باعث این کسری بودجه می شود نه حقوق بازنشستگی و یا حقوق کارگران و زحمتکشان جامعه بلکه رقم بالای بودجه های نظامی، تخفیفها و مزایای هنگفت مالیاتی برای ثروتمندان است. از همه مهمتر شرکت در جنگ اوکراین و همچنین دیگر مخارج نظامی و دفاعی و غیره بخش عظیمی از در آمد امپریالیسم فرانسه را می خورد. هزینه های این جنگ به همراه دیگر امتیازات برای ثروتمندان بر دوش زحمتکشان جامعه سنگینی می کند. ۱۰ درصد جمعیت فرانسه صاحب بیش از ۸۰ درصد کل ثروت جامعه اند. اما دولت می خواهد که این شکاف عظیم باز هم افزایش یابد. فرانسه برای قابلیت رقابت با بقیه کشورهای امپریالیستی مجبور است که از سیاست های اقتصادی نولیبرالی پیروی کند. این سیاست یعنی کم کردن هر چه بیشتر مزایا و حقوق کارگران و زحمتکشان و افزودن هر چه بیشتر بر مزایا و حقوق طبقه مرفه و حاکمه جامعه و در نهایت به معنی استثمار شدیدتر طبقه محروم جامعه است. اما این سیاستها در خود و بدون ارتباط با مسائلی بمراتب عظیم تر قابل بررسی نیستند. سیاستهای جهانی سرمایه داری، از گلوبالیزاسیون و نولیبرالیسم گرفته تا تحمیل ریاضت کشیها در پرتو آناارشی تولید سرمایه داری امپریالیستی که جهان را به قطبها و قدرتهای عظیم امپریالیستی و به رقابت با یکدیگر کشانده، نیروی اساسی محرکه ای است که توده های عظیمی را در ابعاد وسیعتر در نقاط مختلف جهان جهت مبارزه با این نظام به خیابانها پرتاب نموده است. کارگران و زحمتکشان فرانسه در این راهپیمایی تاریخی سهم بسزائی داشته اند.

نقش سندیکاهاى کارگرى

این دور از مبارزات در فرانسه با فراخوان سندیکاهاى کارگرى «CGT» شروع شد. اما واقعیت این است که سندیکاهاى کارگرى خود بخشى از مشکل اند، تاریخ نشان داده که در حساس ترین شرایط با دولت سازش مى کنند همانند سال ۶۸. و یا مبارزات در اوایل دهه این قرن که بخشهایی از سندیکاها با دولت سازش کردند و باعث شد که دولت بتواند بخش های مهمی از طرح خود را بعد از کلی مبارزه مردم به کرسی بنشانند. سندیکاها اینبار مجبور شدند فراخوان اعتصاب را بدهند زیرا تحت فشار کارگران بودند و مى دانستند که اگر فراخوان ندهند درمیان کارگران منزوی خواهند شد. همچنین تلاش نمودند تا مبارزات را بسیار مسالمت آمیز به پیش ببرند و تنها محدود به سن بازنشستگی کنند. اما بخش های رادیکال تظاهرکنندگان به مبارزات تا نیمه های شب ادامه داده و خواسته هایشان از این محدوده فراتر رفته است. برخورد پلیس با تظاهر کنندگان بسیار خشن بوده و این خشونت بعد از تاریکی هوا بسیار بیشتر می شود، بطوری که انتقاد و اعتراض بسیاری را برانگیخته است. سندیکاهاى دست راستی «کارگرى» خود را از مبارزات شبانه دور می سازند. ارتجاع امپریالیستی فرانسه تا زمانی که رهبری سندیکاها بر این جنبش اعمال میشد، خیالش آسوده بود. اما چندی نگذشت که نیروهای جوان، رادیکال و پرانرژی به صفوف تظاهرات پیوستند.

نقش نیروهای فاشیست و راست افراطی:

فاشیستهای هوادار آن - مری لوپن با شرکت در تظاهرات تلاش دارند به چهره واقعی و الهام بخش آن ضربه زنند. حزب فاشیستهای فرانسه هم در پارلمان و هم در خیابان به کمک نظام حاکم شتافتند. آنها در پارلمان حاضر به شرکت در طرح لایحه عدم اعتماد به حکومت نگشتند، چرا که در اوضاع بحرانی کنونی می توانست چاشنی وقوع پروسه های دیگر گردد. نیروهای این جریان در خیابانها به نوشتن شعارهایی با مضمون یهودی-سنیزی مثلا دفاع از قتل عام یهودیان در جنگ دوم جهانی و حمله به کسانی که در گذشته به آنها کمک کرده اند، تلاش می کنند که به وجهه و صفوف مبارزین ضربه بزنند. آنها همچنین به طرح مسایل فرعی و بی ربط مثل ضدیت با واکسیناسیون کرونا تلاش می کنند که موضوع اساسی اعتراضات را منحرف کنند. آنها همچنین تا آنجا پیش رفته که به انتشار نامه یکی از ژنرالهای فاشیست "بازنشسته" فرانسه پرداختند که گفته بود باید از ارتش و سلاح برای سرکوب پناهجویان استفاده کرد.

اما علی رغم نیروهای سازشکار و همچنین نیروهای فاشیست، جو غالب مبارزات در خیابان های پاریس و دیگر شهرها مبارزات رادیکال و عادلانه ای است که همراه با جنگ های خیابانی با پلیس و خواندن سرود انترناسیونال به پیش می رود. مبارزاتی که یاد آور وقایع تاریخی مهمی است که تا بحال دوبار فرانسه و جهان را تکان داده است. یکی خاطره کمون پاریس و نبرد کموناردها هنگامی که اولین دیکتاتوری پرولتاریا در سال ۱۸۷۱ با قیام مسلحانه در پاریس برپا شد و پرچم سرخ برپا پاریس به اهتزاز در آمد و تجربه و افتخار پرارزشی را برای پرولتاریای جهانی کسب کرد که باعث شد رهبران پرولتاریا به درک عمیقتری از دولت و علم تغییر جهان دست یابند و لزوم نابودی قهری دولت طبقه استثماراری را در دستور کار گذارند. دیگری مبارزه ماه مه ۱۹۶۸ است که تحت رهبری دانشجویان و جوانانی که از انقلاب فرهنگی پرولتاریایی چین تحت رهبری مائوتسه دون الهام گرفته بودند، آغاز شد و اروپا را به لرزه درآورد. اتحادیه های کارگرى در ابتدا ساکت ماندند و به این مبارزات نپیوستند اما تحت فشار کارگران مجبور شدند که از این مبارزات دفاع کنند و فراخوان اعتصاب دهند که باعث یک پیوند فراموش نشدنی میان کارگران و دانشجویان و جوانان رادیکال شد. این مبارزات عظیم که همزمان با جنبش رهایی بخش مسلحانه مردم ویتنام ... همراه

بود، باعث تغییر کیفی در مبارزات ضد جنگ اشغالگرانه و مستعمراتی امپریالیستها بویژه امریکا گشت و دولت فرانسه را تا آستانه سقوط به پیش برد. این دو مبارزه بزرگ و اهمه و ترس بسیاری در دل طبقه حاکمه بورژوازی فرانسه و اروپا انداخته است. هر بار که مبارزات رادیکال در فرانسه بالا می‌گیرد بورژوازی دیگر کشورها برغم رقابت‌ها میان خود به تکاپو می‌افتند تا فرانسه را از مخصصه‌ای که می‌تواند دامن همه‌اشان را بگیرد برهانند.

به هر حال رادیکالتر شدن این مبارزات شرایط را برای شکل‌گیری و متحدشدن نیروهای پیشرو بیشتر فراهم خواهد ساخت. باشد که کموناردهای نسل نوین بپا خیزند و بار دیگر پرچم سرخ پرولتاریای بین‌المللی را در یکی از مراکز مهم ارتجاع جهانی به اهتزاز در آورند. اگر چه علیرغم مبارزات رادیکال و شجاعانه‌ای که طبقات و اقشار مختلف فرانسه به پیش می‌برند، از رهبری یک نیروی کمونیستی انقلابی محروم است و این مبارزات شجاعانه علیرغم اینکه ممکن است به عقب‌نشینی ارتجاع و پیروزی مقطعی بیانجامد اما این ارتجاع بار دیگر و در فرصتی دیگر باز هم برای محدود کردن حقوق مردم دست به کار خواهد شد. همانگونه که در ۴۰ سال گذشته بارها این حملات را برنامه‌ریزی کرده است. برای رهایی واقعی، پرولتاریای آگاه باید به خط کمونیستی و انقلابی که بر اساس تجارب و دستاوردهای انقلابات پیروزمند و ناکامی‌ها و شکست‌های آنان است مسلح شود. مبارزه را در مسیر یک انقلاب پرولتری رهنمون سازد تا مبارزات شجاعانه کنونی به پیش جهش کرده و دستاوردهایی برای رسیدن به پیروزی نهایی را به کف آورد. پرولتاریای آگاه فرانسه می‌تواند بار دیگر پیروزی و دستاوردی تاریخی را رقم زند. در چنین شرایطی و به منظور جهت‌یافتن مبارزات طبقات محروم فرانسه در مسیر یک انقلاب پرولتری و خدمت به اتحاد پرولتاریا و زحمتکشان جهان، دفاع همه مردم مبارز و آگاه از مبارزات زحمتکشان و طبقات و اقشار محروم جامعه فرانسه یک وظیفه مبرم است.

جمعی از کمونیست‌های انقلابی - ایران

۲۱ فروردین - حمل - ۱۴۰۲ (اپریل ۲۰۲۳)